۲۴ ر

61254

میکرو فیلم تهیه شد

۱۱ مجلد
فهرست
ش

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب اصول دین — فارسی

مصنف / مؤلف میرزا ابو القاسم قمی

خطی نستعلیق ۱۷ سطری

چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۲۱۴ عدد اوراق ۲۰۱

جزء کتب عقائد شماره

شماره عمومی ۸۲۰۸ شماره قبض

واقف خریداری تاریخ وقف مهر ۱۳۲۹

طول ۳۰ عرض ۱۴ گنجه

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

بدانکه روایتست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم وصیت کرده است مر حضرت امیر علیه السلام را زیرا که او
و امر و نهی هر چیزی که رضای خدا تعالی در آن باشد اگر او در عمل آورند و آنکه ایشان کوتاهی کنند خلق خدا
روزگار [illegible] یعنی پرهیز ننمایند بدانچه امر کرده بدان قیام ننمایند یعنی بجا نیاورند تا خلق آن کو
دین را آخرت را برای خود حاصل کرده اند و مستوجب بهشت گردند و این وصیت نامه عربی بالفاظ
فارسی گفته شد بواسطه آسانی بعضی و امام جعفر بن محمد الباقر روایت کند از امام محمد باقر و او از امام
زین العابدین و او از امام حسین ع و او روایت کند از پدر خود امیر المومنین ع که فرمود که حضرت رسول
مرا وصیت کرد که یا علی تو از من بمنزله هارون از موسی الا انه لا نبی بعدی [illegible] و اگر نه تو پیغمبری
و اکنون من ترا وصیت میکنم که تو مردم را بیاموزی تا مردمان زندگانی از برای خدا کنند و تنبیه گیرند
یا علی مومن را سه نشانست اول آنکه نماز را بوقت کند دوم آنکه روزه دارد سیم آنکه صدقه بسیار دهد
یا علی عابد را سه نشانست اول آنکه بهوای نفس خود نباشد دوم آنکه بهوای نفس خود [illegible] سیم [illegible] بسیار آید
یا علی زاهد را سه نشانست اول آنکه در طاعت حق تعالی سعی کند دوم آنکه از حرام پرهیز کند سیم آنکه [illegible] بد کند
او در عوض نیکی کند یا علی صالح را سه نشانست اول آنکه هرچه کند [illegible] کنند که میان حق
و او [illegible] سیم دین خود را بزرگ و محترم داند سیم هر کس [illegible]

یا علی

۲

یا علی آمرزیده را سه نشانست اول آنکه از عذاب خدای تعالی ترسد دوم آنکه برادر [illegible] طاعت [illegible] کند
سیم دایم بذکر خدا مشغول بوند یا علی بدبخت را سه نشانست اول آنکه روزی وی از حرام بود دوم آنکه از صحبت علما
دوری جوید سیم آنکه نماز را بوقت نگذارد تا آنگاه که از همه کارهای دنیا فارغ شود یا علی مردم نیک را سه نشانست
اول آنکه نیکی را به درویشان و ضعیفان از رحمت و شفقت کند با ایشان [illegible] از نیک مردمان شمرند
دوم آنکه بد نکند و باندک چیزی قناعت کند سیم آنکه اگر غمی و مصیبتی پیش آید صبر کند که الصبر مفتاح الفرج یا علی
مردود درگاه را سه نشانست اول آنکه رکوع و سجود را تمام نکند دوم آنکه [illegible] ستایش کند در پیش مردم [illegible]
سیم آنکه خویشتن را در پیش مردم نیک مرد و پارسا نماید و در عقب [illegible] یا علی بدکردار را سه نشانست
اول آنکه فراموش کار بود در طاعت خدا تعالی [illegible] دوم آنکه مسلمانان از [illegible] او در زحمت باشند
سیم آنکه بجای نیکی بدی کند یا علی مردم راست گوی را سه نشانست اول آنکه به زر و جلال [illegible] دوم

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

آنچه از تصنیف جناب میرزا ابوالقاسم در این کتاب نوشته ام فهرستش این است کتاب اصول دین کتاب طهارت
کتاب جنایز کتاب زکوة کتاب خمس و فطره کتاب حج کتاب صوم [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین اما بعد چنین گوید اقل عباد الله ابوالقاسم ابن الحسن الجیلانی که این چند کلمه ایست در بیان اصول دین با دلیلهای اجمالیه موافق فهم و طاقت عوام نوشته میشود تا فایده آن شامل اکثر مردم باشد شاید جناب اقدس الهی باین وسیله از گناهان این روسیاه بی بضاعت [illegible] درگذرد و در رحمت و عفو خود سازد شامل حال این گناهکار رد الدین او نماید و این مشتملست بر مقدمه و چند باب

مقدمه بدانکه اصول دین سه چیز است توحید و نبوت و معاد اما عدل و امامت پس اینها مذهبند هر کس منکر یکی از سه چیز اول است کافر است و نجس است و ذبیحه او حلال نیست و سایر احکام کفر بر او جاریست و اما اگر اقرار بآن سه چیز داشته باشد و منکر عدل یا امامت باشد کافر نیست لیکن شیعه نیست و هم بلا شک از اهل جهنم است و اینها را اصول دین میگویند بجهة آنکه اصل عبارتست از پایه و ریشه و هر چیزی که بنای او بر آن میکنند از قبیل پایه دیوار و ریشه درخت و امثال اینها و سایر عبادات و مسایل حلال و حرام فروع دین اند یعنی مثل شاخ و برگ درختند پس اصل هر چیزی اگر بر جا باشد فرع بر او قرار میگیرد و اگر اصل نباشد فرع را ثبات و بقائی نیست پس هر که اصول دین او صحیح باشد امید نجات از برای او هست هرچند فروع او خراب باشد و اعمال او ناشایسته باشد هرچند بعد از سوختن بسیار در جهنم باشد و هر که اصول دین او خراب باشد فروع دین و اعمال و طاعات و عبادات باو نفعی ندارد هرچند تمام شب و روز عبادات کند

باب اول در توحید است و در آن سه فصل است

فصل اول در اثبات صانع عالم و اینکه عالم را خدائی هست و دلیل بر این مطلب بسیار است و آنچه بفهم عوام نزدیک باشد دو چیز است اول آنکه هر عاقل بچشم بصیرت نظر کند در عالم و آنچه در او است

از اصول

قادر بر اینکه خلق کند مثل ایشان را یعنی کسی که خلق کرده است جسمهای باین عظمت را و آن عزاب را در آنها است از ستارها
و ماه و آفتاب و انواع عزاب و عجایب و همچنین که بهادر دریاها و درختان و معادن و غیر اینها قادر نیست باینکه تا پیدا
بدنهای ایشان را خلق کند بلی و هو الخلاق العلیم یعنی بلی قادر است و اوست بسیار خلق کننده و قدرت او کامل و تمام است
و بسیار دانا است و علم او شامل جمیع دانستنیها است و دیگر بعضی از شبهها که شیاطین جن و انس در نظر می آورند
بعد از آنکه خلاق آن را از کلام خدا و پیغمبر یقینی شد لایق آن نیست که کسی بآن گوش بدهد و فکر خود را متوجه آن سازد و بدانکه
احوال بعد از مرگ بسیار است و خدا و پیغمبر خدا خبر داده چه قبل از قیامت و چه بعد از آن از سکرات مرگ و عالم برزخ یعنی ما بین دنیا
و قیامت و سؤال منکر و نکیر در قبر و فشار قبر و بهشت و دوزخ دنیا و تنعم و تعیش در آن و عذاب در آن و نفخ صور اول و مردن جمیع
جانداران حتی ملائکه آسمان و حمله عرش و نفخ صور دویم و زنده شدن جمیع خلایق و حشر و نشر و حساب و صراط و میزان و حوض و شفاعت
و غیر اینها از آنچه در قیامت و قبل از آن واقع میشود و حق تعالی همه را در قرآن خبر داده و باید همه آنها را اعتقاد کرد و ظاهر آنها را قبول کرد و علم
حقیقت آنها را بخدا و رسول واگذاشت بر اینهمه واجب است که آنها را در آنچه گویند راست گوییم خلاصه اینکه هرچه یقینیست که خدا
و پیغمبر گفته است انکار او انکار خدا و پیغمبر است و کفر است پس هرکه انکار یکی از آنها بکند کافر است و هرگاه بدین عقیده و یقین
خدا و پیغمبر را شناختی هرگاه عالمی از علمای دین دار صاحب تقوی که تابع رسول خدا و ائمه هدی باشد بر تو بخواند از آن خبرها باید
اذعان کنی و انکار نکنی و اگر از سخن او یقین برای تو حاصل نشد باینمعنی که احتمال میدهی که او اشتباه کرده باشد و سهو یا خطا کرده باشد
پس بگو آنچه در قرآن و کلام پیغمبر است من آنرا اعتقاد دارم هرچند تفصیل آنرا ندانم این اصول دین تو بود که گفتیم اما فروع دین
پس در این زمانها که دست رسی به پیغمبر و امام نیست اگر کسی تواند که مسایل فروع را از کلام خدا و رسول و ائمه طاهرین علیهم السلام بسعی و کوشش
و بقدر وسع و طاقت خود چنان بفهمد که حکم خدا اینست هرچند مظنه باشد پس آن عمل بکند و این شخص را در اصطلاح مجتهد میگویند
و اگر کسی را آن قوه نباشد و آن مرتبه را نداشته باشد تکلیف او آنست که تقلید آن مجتهد کند [illegible] بوجوب کفائی در هر [illegible] که مجتهدی بهم رسید
در ناحیه و قبیله که رفع حاجت آنها باو شود این وجوب از گردن دیگران ساقط است و لیکن واجب کفائیست که جماعتی مشغول

[illegible]

تحصیل

۲۳

تحصیل باشند هرچند یک مجتهد موجود باشد بجهة آنکه هرگاه همگی مشغول باشند و اکتفا بآن مجتهد بکنند مجتهدی که مراد مجتهد بودن او
آسان نیست و در آن وقت فوت شود دیگری مشهور و مشهور در مذهب علمای شیعه اینست که باید در فروع یا کسی مجتهد باشد یا مقلد مجتهد اگر
هیچیک از اینها نباشد عبادات او صحیح نیست هرچند درست کرده باشد پس ای برادر دو چشم دل بگشا و خود را در اصول
و فروع خود را درست کن خلقت تو از برای همین مطالب است و فریب شیطان مخور و خود را غافل مکن که طاقت عذاب
جهنم نداری اعاذنا الله و ایاکم من النار و رزقنا بفضله و رحمته مرافقة الابرار قد فرغت هذا الکتاب فی [illegible]
کتبه اقل الخلیقه ابن علی محمد ساوی [illegible] قمی المسکن از ناظران طلب عفو است که چشم [illegible] بپوشند

سنه ۱۲۱۴

بازبینی شد ۱۳۷۱ ش
سال ۱۳۶۸ [illegible]
بازبینی شد [illegible]
کتابخانه آستان قدس
ویژه مخطوطی